



شماره (۱)

# بسوی سوسیالیسم

ارگان تئوریک - سیاسی اتحاد مبارزان کمونیست

## پلان فرم تاکتیکی پیشنهادی در مقابل با کودتا

مدت و مطلوب بورژوازی برخوردار نیستند. از یک سو، جناح لیبرال حکومت، علی رغم تاکیدش بر ضرورت استقرار نظم و قانون بورژوازی در جامعه، و نیز علی رغم شناسی که در ایجاد شرایط مساعد برای انباشت سرمایه در کشور نشان می‌دهد، به اعتبار نا سازگاری لیبرالیسم با منافع کل بورژوازی در ایران نمی‌تواند به ارگان رهبری وحدت بخش صفوف بورژوازی بدل شود. شرط لازم پدیدایش رهبری وحدت بخش در صفوف ضد انقلاب بورژوا - امپریالیستی، طرد لیبرالیسم - به مثابه شیوه غیر موثری در مقابل با انقلاب و در سازماندهی استثمار امپریالیستی - است. از سوی دیگر، تشوکرایی (ولایت فقیه) که جناح دیگر حکومت در لافچه آن ضرورت احیای حکومتی مطلقه و متکی به قهر و اعمال شیوه قهر مستقیم در سرکوب انقلاب را در درون بورژوازی تبلیغ می‌کند، علیرغم آنکه در محتوای خود با منافع کل بورژوازی به رهبری نحمات امام - امپریالیستی در تطبیق قرار می‌گیرد، لیکن به علت زوائد ما قبل سرمایه داری و دست و پا گیر خود، و نیز به دلیل اینکه عملکرد این جناح در این مقطع معین ضرورت استقرار نظم و قانون بورژوازی در جامعه را کم رنگ می‌کند، نمی‌تواند رهبری سیاسی واحد و چهارچوب ایدئولوژیک - سیاسی حکومت مطلوب بورژوازی را تأمین نماید. لذا، خروج رهبری واحد بورژوازی مستلزم نفی هر دو جناح کنونی حکومت و استعاله آنان در سنتزی جدید است که نظم بورژوازی را بدون لیبرالیسم، قهر و سرکوب را بدون تشوکرایی تبلیغ و دنبال کند. این سنتز سیاسی با توجه به شرایط مشخص جامعه می‌تواند اشکال گوناگون بخود بپذیرد. کودتا برای بورژوازی تنها مطلوبترین وسیله - بین شکل این سنتز و ظهور رهبری واحد سیاسی - ایدئولوژیک است. بدین ترتیب هر تحول سیاسی دیگری در درون بورژوازی که در محتوای خود به معنای تحقق وحدت در صفوف این طبقه، و در نتیجه تلاش سازمان یافته بورژوازی برای تحکیم و استقرار کامل ارتجاع سیاسی امپریالیستی باشد، تحولی که می‌تواند حتی بر زمینه شکست یک کودتای نظامی صورت پذیرد، برای پرولتاریا در محتوای خود در حکم یک "کودتا" خواهد بود.

۴) بخاطر فقدان دموکراسیم بهیچیک پرولتاری - آلترناتیو کمونیستی - در میان نوده‌ها، و در شرایط سرعت یافتن جدایی نوده‌ها از حکومت، تمایلات نیرومند دموکراتیک نوده‌ها به ناچار خود را در قالب مخدوش و محدود گرایشات لیبرالیستی آنان ظاهر می‌گرداند. با توجه به زبونی و خصلت ضد انقلابی لیبرالیسم، رشد این گرایش ضد حکومت در میان نوده‌ها بیش از آنکه به تأشید فعالانه

۱) احتمال بروز کودتا علیه حکومت کنونی هر روز ملموس تر می‌گردد. هفت حاکمه که از شخصیات حاد درونی رنج می‌برد، از این "شیخ کودتا"، از یک سو دستا - ویزی می‌سازد برای تصفیه صفوف از لیبرالها، طسره شیوه‌های لیبرالی از حکومت و اعمال هر چه گسترده تر شیوه قهر و سرکوب مستقیم، و از سوی دیگر آن راه پایه جدیدی برای تبلیغات در درون نوده‌ها، ارباب آنان، و از این طریق، تلاش در جهت حفظ و جلب حمایت نوده‌ها از خود تبدیل می‌کند. جنبش کمونیستی، به مثابه پیشاهنگ آگاه پرولتاریای ایران، وظیفه دارد سیاست تاکتیکی پرولتاریا را در مقابل تکوین و بروز یک چنین تحولات سیاسی در درون بورژوازی به منظور بهره‌گیری از آن در جهت حفظ تداوم و بسط انقلاب، با لایردن درجه آمادگی پرولتاریا، و کسب رهبری سیاسی اردوگاه انقلاب روشن ساخته و اتخاذ نماید.

۲) از نقطه نظر بورژوازی موفقیت کودتا به معنای پس راندن کامل کارگران و زحمتکشان ایران از صحنه تداوم انقلاب، سرکوب سریع و قاطع آنان، و در نتیجه تشبیت حاکمیت بورژوازی می‌باشد. یک کودتای موفق به سرریختن وجهی صفوف درهم ریخته بورژوازی را، بانفی دموکراسی در درون این طبقه، زیر آتوریت یکجانبه بورژوازی انحصاری متحد ساخته و با استقرار حکومتی متکی به قهر و کاملاً متمرکز به تلاشهای بورژوازی برای تأمین شرایط سیاسی لازم برای حفظ و تداوم استثمار امپریالیستی کارگران و زحمتکشان ایران سازمان می‌بخشد. بدین ترتیب موفقیت کودتا نه در جانشین شدن مغل حاکمه جدیدی بجای هیئت حاکمه کنونی، بلکه عبارت از ظهور آن نیروی سیاسی می‌باشد که بتواند با اعمال رهبری واحد و بسط - متنازع خود در اردوگاه ضد انقلاب بورژوا - امپریالیستی، بورش نهایی بورژوازی را برای سرکوب قطعی انقلاب و استقرار حکومت مطلوب این طبقه سازمان بخشد.

۳) هیئت حاکمه کنونی بورژوازی، که اونیز بی تردید هدفی جز سرکوب انقلاب و تشبیت حاکمیت بورژوازی بر پرولتاریا را دنبال نمی‌کند، نمی‌تواند به ارگان رهبری سیاسی مطلوب بورژوازی در مقابل با انقلاب ارتقا یافته، بورژوازی را در بورش نهایی اش به اردوگاه انقلاب به زیر پرچم واحدی سازماندهی کرده و آن نکل حکومتی مورد لزوم و مطلوب این طبقه را تأمین نماید. دو جناح موجود در حکومت کنونی، با آنکه در این مقطع مشخص در سرکوب انقلاب نقش مکمل یکدیگر را ایفا می‌کنند، هیچیک به تنهایی از خصوصیات لازم و کافی برای کسب رهبری اردوگاه ضد انقلاب، و ارائه آلترناتیو حکومتی دراز

آنان از لیبرالیسم درصحنه مبارزه سیاسی بی‌تاجامد ، بی بی تفاوتی سیاسی آنان منجر می‌گردد. این امر امکان وقوع ، و موفقیت کودتا را تقویت می‌کند.

۵) مف‌بندی نیروهای طبقاتی طرفدار و مخالف کودتا تماما با مف‌بندی نیروهای انقلاب و مدافع انقلاب منطبق نیست و نمی‌تواند باشد. بورژوازی بی شک در موضع طرفداری از کودتا قرار خواهد گرفت و بخش وسیعی از افشاربالیایی خرده بورژوازی - بخصوص از افشارمردن و بیوروکرات خرده بورژوازی - را بدینال خود خواهد کشاند. خرده بورژوازی سنتی - که اکنون گالایه ارتجاع گرویده و بخش فعال پایگاه اجتماعی حیثت حاکمه کنونی را می‌سازد - بدین خاطر که کودتا برای او در حکم از دست دادن تمام امتیازات کنونی - اش می‌باشد، نیروی بالفعل در مقابل کودتا خواهد بود. این بخش از خرده بورژوازی خواهد کوشید که جبهه ارتجاعی دفاع از حکومت کنونی را در مقابل کودتا سازمان دهد. نیروهای اساسی انقلاب ، پرولتاریا و زحمتکشان غیر پرولتر، از آنجا که کودتا برای آنان به معنای بازگشت شرایط پیشین - هارترین شکل حاکمیت بورژوازی - می‌باشد ، بالقوه فاعل تریبون نیروی مبارزه علیه کودتا می‌باشند. بنا بر - این شرایط عینی ظهور دو مف مختلف علیه کودتا را ممکن و محتمل می‌سازد: ۱) مف ارتجاعی که با هدف دفاع ، ایفاء و تحکیم حکومت کنونی در مقابل کودتا خواهد ایستاد و ۲) مف انقلابی که باید متضمن برگرایش ضدکودتاییسی و توان بالقوه نیروهای اساسی انقلاب ، با هدف فراتر رفتن از حکومت کنونی و ارتقاء انقلاب توسط کمونیستها و دموکراتهای انقلابی تشکیل گردد.

۶) از نقطه نظر پرولتاریا و زحمتکشان غیر پرولتر، سرکوب کودتا تنها به مفهوم شکست بورژوازی در تثبیت حاکمیت خویش ، جلوگیری از ظهور ارتجاع تازه نفس ، بسط دستاوردهای دموکراتیک ، بدست آوردن سنگرهای از دست رفته تداوم انقلاب و تسخیر سنگرهای جدید برای ارتقاء انقلاب می‌تواند باشد. از اینرو بالفعل کردن توان بالقوه نیروهای اساسی انقلاب در مقابل علیه کودتا ، در گرو بردن آلترناتیو کمونیستی در میان توده‌ها و جلب هر چه وسیع‌تر آنان به دموکراتیسم پیگیر پرولتری ، افشا و طرد دائمی لیبرالیسم و مبارزه علیه بی تفاوتی سیاسی است ، و مبنای تاکتیکی پرولتاریا در ایجاد صف انقلابی علیه کودتا نه در وحدت با خرده بورژوازی سنتی و جلب حمایت بورژوازی لیبرال ، بلکه در مبارزه علیه آنان و آماده ساختن زمینه‌های سازماندهی هر چه مستقل تر مقاومت توده‌ای می‌باشد.

۷) سیاست ترویجی و تبلیغی کمونیستی در مورد کودتا باید بر مبنایی بادشده در بنده مبثنی بوده و هر سیاستی که بر این مبنایی منگی نباشد انحرافی خواهد بود. لذا ، باید هم با گرایشات "راست" که در وحشت از کودتا و ظهور ارتجاع تازه نفس ، پرولتاریا را به زیر پرچم لیبرالیها و یا خرده بورژوازی ارتجاعی می‌خواند ، و هم با گرایشات "چپ" که لبرور کودتا را با این استلال که انقطاب اجتماعی وصف بندی مریخ طبقاتی را تسریع خواهد کرد مطلوب جلوسوه می‌دهد بشدت مبارزه گردد. هر دو این گرایشات با انکار نقش هرزونی پرولتاریا بعنوان پیش شرط پیروزی انقلاب دیو -

کراتیک و تحریف رابطه بین دموکراسی و سوسیالیسم عملا به بورژوازی خدمت می‌کنند.

۸) از آنجا که تاکتیک‌های مشخص اساسا مبثنی بر توازن نیروهای بالفعل اتحاد می‌گردند ، طرح آکسیوشنهای از پیشی برای روز وقوع کودتا اصولا درست بوده و آنچه که می‌باید تعیین گردد سیاست تاکتیکی پرولتاریا در مقابل کودتا است که نسبت به توازن نیروهای بالفعل در روز وقوع مساله خود را در چهارچوب آکسیون هار فعالیتهای مبارزاتی و عملی معینی بظهور خواهد رساند .

۱) با توجه به آنچه گفته شد سیاست تاکتیکی پرولتاریا در مقابل کودتا عبارت خواهد بود از:

۱) سازماندهی هر چه مستقل تر مقاومت توده‌ای در مقابل کودتا با هدف تسخیر سنگرهای تداوم و ارتقاء انقلاب و اعمال اراده مستقیم توده‌ها در تضمین و بسط دستاوردهای دموکراتیک .

۲) احیای شعارهای قیام بهمین وفرا تر رفتن از این شعارها . تعیین دقیق این شعارها از پیش ممکن نیست و به درجه رشد مبارزه توده‌ای بستگی خواهد داشت . این شعارها می‌توانند از لغو سانسور ، کنترل توده‌ای بورسانه‌های گروهی ، آزادی احزاب ، انتشارات ، تسلیح توده‌ای ، بنا لغو قانون اساسی ، انحلال ارتش و ارگانهای سرکوبگر و تشکیل حکومت موقت انقلابی را شامل گردند.

۳) از نظر تشکیلاتی سازماندهی مقاومت مستقل توده‌ای در مقابل کودتا باید در جبهه انقلابی علیه کودتا - متشکل از کمونیستها و دموکراتهای انقلابی - که هدف آن فراتر رفتن از حکومت کنونی ، تا حد تشکیل حکومت موقت انقلابی ، می‌باشد صورت گیرد. فراتر رفتن از حکومت کنونی به معنای ایجاد و بسط ارگانهای مستقل قدرت توده‌ای (شورا) های مسلح کارگری ، شورا های سربازان انقلابی ، شورا های اداره و دفاع از محلات و... و انکاء جبهه انقلابی بر این ارگانها می‌باشد.

۴) همانگونه که یاد شد زمینه عینی برای شوکت یک مف ارتجاعی در مقابل کودتا نیز موجود است . سیاست پرولتری در برخورد با این صف سازش با آن نبوده ، بلکه توازن مشخص نیروها می‌تواند به درجاتی اتحاد عمل با این مف را به نیروهای انقلابی تحمیل کند . اتحاد عمل با نیرو های حامی رژیم کنونی تنها بدان معناست که جبهه انقلابی ضد کودتا ، در جریان مبارزه علیه کودتا ، این نیروها را مورد تهاجم قرار ندهد و در عین حال در مقابل تهاجم احتمالی آنها آماده دفاع باشد .